

وزیر بهداشت با اشاره به اینکه فناوری های نوین و IT در نظام سلامت از اهمیت خاصی برخوردار است، گفت: «به طور مثال در موضوع تولید، اصالت، نظارت و پیشگیری از قاچاق دارو، بدون فناوری های نوین کار خاصی نمی توانیم انجام دهیم.» حسن قاضی زاده هاشمی به فارس یادآور شد: «در زمان نیز همین طور است. به هیچ وجه نمی توانیم موضوع درمان را کنترل کنیم، مگر اینکه پرونده الکترونیک سلامت را تهیه کنیم.» هاشمی خاطر نشان کرد: «بدون پرونده الکترونیک سلامت و فناوری های نوین، بیمه ها قادر به تأمین هزینه ها نخواهند بود، چرا که اکنون دفترچه در دست افراد است و هر روز ممکن است میلیون ها تومان هزینه روی دست بیمه ها بگذارد.»



کتیو | ۰۷



پشتوانه ای برای سلامت خوزستانی ها

در حال حاضر حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از مردم خوزستان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار دارند. این آمار تقریباً ۵۷ درصد کل جمعیت مردم استان خوزستان را شامل می شود. به تعبیر دیگر می شود گفت هم اکنون از هر ۱۰ شهروند خوزستانی، به طور میانگین حدود ۶ نفر تحت پوشش تأمین اجتماعی هستند و از خدمات درمانی این سازمان بهره مندی می شوند. بسیاری از مسئولان فعلی نظام و از جمله مدیران ارشد سازمان تأمین اجتماعی، نگاه بسیار مثبتی به استان خوزستان دارند و به نوعی عرق ملی خاصی به این استان چنگ زده دارند. این نگاه مثبت برای جبران ویرانی های حاصل از جنگ هشت ساله سبب شده درمان تأمین اجتماعی در استان خوزستان از وضعیت بسیار قابل قبول و روبه رشدی برخوردار باشد. هم اکنون حدود ۳۱ مرکز درمانی ملکی در استان خوزستان فعالیت دارند که این مراکز، هم به بیمه شده های تأمین اجتماعی و هم به سایر شهروندان این استان جنوبی، ارائه خدمت می کنند. پس از جنگ تحمیلی، موتور ساخت پروژه های درمانی سازمان تأمین اجتماعی در استان خوزستان شتاب گرفت، به نحوی که حالا نتیجه این مجاهدات ها را در استان خوزستان شاهد هستیم. شش بیمارستان تأمین اجتماعی در استان خوزستان فعال است. همچنین یک دی کلینیک، هشت پلی کلینیک مجهز و شانزده درمانگاه در استان خوزستان مشغول ارائه خدمت به مردم عزیز این استان هستند. سال گذشته، ۶ هزار میلیارد ریال در بخش درمان مستقیم و غیرمستقیم به استان خوزستان اختصاص یافت که امسال این اعتبارات با رشد ۳۳ درصدی به ۹ هزار و ۱۳۰ میلیارد ریال رسیده است. همچنین در سال قبل نیز ۸۰ میلیارد ریال تجهیزات پزشکی و آمبولانس به مراکز درمانی تأمین اجتماعی در استان خوزستان اضافه شد. در حال حاضر، سه بیمارستان بزرگ و مجهز در مرحله آماده سازی و بهره برداری است که بزودی آماده ارائه خدمت به شهروندان این استان می شوند. جالب است که از هشت بیمارستان در حال ساخت سازمان تأمین اجتماعی در کل کشور، سه بیمارستان در استان خوزستان در حال ساخت است. بیمارستان ۱۶۰ تختخوابی در آبادان با ۴۴ درصد پیشرفت پروژه، بیمارستان ۹۶ تختخوابی در فوول که در حال احداث است و بیمارستان ۹۶ تختخوابی امیر کبیر اهواز با ۹۷ درصد پیشرفت پروژه، بزودی آماده بهره برداری نهایی می شوند. بیمارستان جدیدی که در آبادان در حال احداث است، در دومین بیمارستانی است که سازمان تأمین اجتماعی در این شهر احداث می کند. در حال حاضر، بیمارستان ۹۶ تختخوابی سازمان تأمین اجتماعی در آبادان فعال است و به بیماران رسیدگی می کند، اما با افتتاح این بیمارستان جدید در شهر چنگ زده آبادان، توسعه خدمات درمانی در این شهر شتاب بیشتری می گیرد. طبق برنامه ریزی ها قرار است شهروندان سایر شهرهای همجوار مثل خرمشهر هم بتوانند به راحتی از امکانات این بیمارستان جدید استفاده کنند. هم اکنون همه تخصص های درمانی در مراکز ملکی استان خوزستان ارائه می شود و همگام با توسعه زیرساخت های درمانی، نیروهای انسانی متخصص نیز به تعداد کافی جذب شده اند. ۹۹ درصد ریف های جذب پزشک عمومی و ۱۰۰ درصد ریف های جذب داروساز در استان خوزستان تکمیل شده است و در واقع می توانیم بگوییم که از نظر حضور پزشک عمومی و داروساز در مراکز درمانی تأمین اجتماعی در استان خوزستان هیچ مشکلی نداریم. سال قبل نیز مجوز استخدام ۷۵ پزشک به مدیریت درمان تأمین اجتماعی استان خوزستان داده شد و با این احتساب، باید خرسند بود که این استان از نظر زیرساخت های درمانی و جذب نیروی متخصص در جایگاه خوبی ایستاده است.

مدیر درمان تأمین اجتماعی استان خوزستان

هر ماهی فروشی یک خرمافروش هم هست. عماد خاطرات خوبی از دکتر دارد. «هیچ جمعهای نیست که دکتر ماهی نخورد. معمولاً زیاد ماهی می خورد و ظاهراً همراه با دوستانش ماهی ظهر جمعه را می خورد. دکتر در خرمشهر تنها زندگی می کند، خانواده اش در آمریکا هستند. حدود ۱۰ سال است که این مغازه را باز کرده ام و عین این ۱۰ سال مشتری ثابت من بوده. بعد از اینکه از من ماهی می خورد، از پسرعمویم خرما می خورد. خرمشهری های پس از ماهی حتما خرما می خوردند. خرما اصلاً از سفره شان حذف نمی شود.» مطب دکتر هنوز پر از مراجعه کننده است. احمد فرزندش را به مطب دکتر آورده و می خواهد پای حسام را بخیه بزند. «دکتر پدر من را در ماهشهر جراحی کرد و حالا من پسرم را پیش او آورده ام.»

«وقتی خودم را از آمریکا به ایران رساندم، جنگ هنوز در خرمشهر پا نگرفته بود. زمانی که خرمشهر به اشغال عراقی ها درآمد با آخرین آمبولانس خودم را به ماهشهر رساندم. آن روزها خرمشهر دیگر تحت اشغال عراقی ها بود و مردم و رزمنده ها از بخش های کوچکی از شهر دفاع می کردند و همه مصدومان و شهدا را به ماهشهر می آوردند. هر مصدومی که از خرمشهر می آمد اول اسم پدرش را می پرسیدیم. خیلی از آن ها من را می شناختند یا من پدرشان را می شناختم. روزهای سختی بود. وقتی مصدومان خرمشهر به ماهشهر می آمدند و روزبه روز تعدادشان بیشتر می شد، دائم به خودم می گفتم پس چه کسی در شهر مانده.» در مطب دکتر، علاوه بر او دو پزشک دیگر هم فعالیت می کنند. یکی از پزشکان راهی از تاریخ شفاهی جنگ می خواند. دیگری می گوید روزی نیست که از او چیزی یاد نگیریم. «شاید این نکته را دکتر رامی به شما نگوید، او بعد از جنگ با اینکه خانواده اش می خواستند به آمریکا برگردد، برنگشت و باز کنار مردم خرمشهر ماند. خود دکتر می گوید بعد از جنگ جز او هیچ پزشکی در خرمشهر نبود، معمولاً پزشکان بیمارستانی آمدند در شهر مطب زدند و به مردم کمک کردند. از یکی از پزشکان شنیدم که دکتر رامی تا ۱۳ سال بعد از جنگ از بسیاری از مردم هزینه جراحی و ویزیت نمی گرفته و بسیاری مواقع دچار مسائل مالی می شده، اما از مردم پول نمی گرفته. حتی یکبار یکی از مسئولان نظام پزشکی اهواز به من گفت از نظام پزشکی به دکتر اعتراض کردند که چرا از مردم هزینه ای نمی گیری و این مسئله باعث شده دیگر پزشکان معترض شوند.»

رفت و آمد در مطب دکتر بیشتر می شود. بیماری را آورده اند که نیاز فوری به سرم دارد و پرستارها و پزشکان رگی در دست های بیمار پیدائی کنند. دکتر از پشت میز بلند می شود، اتاق ساده ای دارد و معلوم است که به تازگی تعمیر و بازسازی شده است. اندام بیمار نشان از سنش نمی دهد و صورت رایتی زده و موهای سفید مرتب روی سر نشسته اند. روپوش سفید گویی عضوی از بدنش شده و دست ها و پیشانی اش ردهایی از تاریخ دارند. بیماری که رگ ها در دست هایش گم شده، چشمانش سیاهی می رود. دکتر بند پلاستیکی را به دستش می بندد. «در جبهه هر مصدومی پیش ما می آمد. بسیاری از سردارهایی که امروز هنوز به مردم خدمت می کنند را من جراحی کردم. یکی از صحنه های جالبی که برای من پیش آمد جراحی مصدومان عراقی بود. یکی از این مصدومان پسر جوانی بود که فقط مادر مادر می کرد. او هم مثل بسیاری از جوانان عراقی به زور به جنگ آمده بود. قسم پزشکی ما را متعهد به نجات جان همه انسان ها کرده. آن پسر را جراحی کردم و بعد از آن به جمع دیگر اسرا رفت و حالش بهتر شد.» دکتر با بیماران بختیاری در خوزستان لری صحبت می کند و با عرب های خوزستان عربی، در کسری از ثانیه گفت و گو را با بیمار آغاز می کند. در گفت و گو با یکی از همراهمان بیماران به یکبار بلندبلند می خندد. مرد قدبلند و ریش آنکار در کرده گویی در زمین آب می شود و صدای خنده همه بلند می شود. «از او پرسیدم اسم پدرت چیست. گفت محمود نالوا. گفتم پسر بزرگش هستی؟ گفت بله، بزرگ ترین پسرش هستم. به او گفتم تو را من به دنیا آوردم، چه بزرگ شدی!»



دکتر منصور رامی برای مجروحان جنگ عراق و ایران نامی آشناست. او در زمان جنگ بیش از ۵ هزار عمل جراحی انجام داده و رکورددار جراحی جنگ در جهان است

# دکتر هنوز دلش در خرمشهر مانده

روایتی از دکتر منصور رامی، رکورددار جراحی در جنگ، کسی که خرمشهر را به آمریکا و آلمان ترجیح داد



جان مجروحان حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ دست و پا را قطع کردم.» دکتر پس از تحصیل در آلمان به آمریکا رفت. آنجا با دختری ایرانی ازدواج و زندگی مشترکش را آغاز کرد. آن سال ها او در آلمان و آمریکا جراحی می کرد، تا روزی که جنگ در ایران جدی شد و صورت واقعی خود را نشان داد. «خیلی ها نمی خواستند به ایران بیایم، طبیعتاً رفاه آنجا به مراتب بیشتر بود و شغل بی دردسری داشتم. وقتی تصمیم گرفتم به ایران بیایم، پیش مدیر بیمارستان رفته و به او گفتم دو هفته مرخصی می خواهم. خیلی عادی قبول کرد و گفت دکتر جایگزین برای شما در نظر می گیریم. به او گفتم وقتی به همین راحتی برای من پزشک جایگزین مشخص می شود، یعنی حضور من در اینجا چندان حیاتی نیست، باید به کشورم برگردم.»

آنچه به خرمشهر در جنگ پیش از پیش آسیب زد، ردوبدل شدن شهر بین ایران و عراق بود. در ابتدا عراق برای تصاحب شهر آن را به خمپاره بست و پس از آن شهر را فتح کرد. سپس نیروهای ایرانی برای تصاحب دوباره شهر، به نیروهای عراقی حمله ور شدند و در واقع شهر بیشتر آسیب را در جنگ دید. «به کشور که بازگشتم هنوز جنگ به خرمشهر نرسیده بود. بسیاری از پزشکان از شهر رفته بودند. خیلی از آن ها دوست های من بودند که سالی یکبار به آن ها سر می زدم. به خودمان که آمدم سه پزشک در این شهر بزرگ بودیم. روی پله های بیمارستان خرمشهر ایستاده بودم که خمپاره ای به دیوار بیمارستان خورد و پرت شدم پایین. این اولین مواجهه من با جنگ بود.» مطب رامی کم کم شلوغ می شود و به مرضی ها می رسد. به راحتی با دیدن هر مرضی حرف را قطع می کند. بیرون از مطب ایستگاه اتوبوس کم کم شلوغ می شود. شهر دوباره جان می گیرد و مردم با چشم های یف کرده کره ها را بالا می کشند. خرمافروش ها در این فصل بازار داغی دارند؛ فصل رسیدن خرماست. در کنار

نخل کریم است. در مسجد در این گرمای خرمایزان به روی همه باز است و موزه جنگ را به وسعت یک شهر دیدنی کرده. در خرمشهر آدرس ها همه سرراست و تمرکز امروز شهر در میدان الله است. بازار روز، مغازه های پوشاک، ساختمان های اداری و مغازه دارها همه پیرامون این میدان جا خوش کرده اند. در قسمت شمالی میدان، ایستگاه اتوبوس بی مسافر آفتاب می خورد و پشت آن یکی از سرراست ترین آدرس ها در خرمشهر است. مطب دکتر منصور رامی.

دکتر هنوز دلش در خرمشهر مانده. از روزی که در خرمشهر به دنیا آمد ۷۸ سال می گذرد و امروز سرراست ترین آدرس این شهر شده. در روز گاری که شهر خرم بود و شاهد ترافیک کشتی های باری، به فرنگ رفت و پزشکی خواند. در آلمان دانشجوی بود که آمریکا به ویتنام حمله کرد. «از یکی از اساتیدم که در دانشگاه با او رابطه خوبی داشتم خواستم من را با خود به ویتنام ببرد. دوست داشتم به مردم جنگ زده آنجا کمک کنم، خیلی جوان بودم و علاقه داشتم به قسم پزشکی ای که خورده بودم، یعنی تلاش برای نجات انسان ها، عمل کنم اما نگذاشتند همراه استادم به ویتنام بروم.» مطب دکتر در ساعات اوج گرما مراجعه کننده دارد. مطب ۳۰۰ متری که همچون بسیاری از خانه های شهر در حیاط نخل و سایبانی دارد و در داخل بنا، یک اتاق پانسمان و تزریقات و چند اتاق پزشکان دارد. مراجعه کنندگان به مطب دکتر رامی بیمارانی هستند که مشکلات عمومی دارند، اما تخصص اصلی رامی جراحی عمومی است. «در جنگ ایران و عراق ۵ هزار عمل جراحی انجام دادم. روزهای عملیات تا دو ماه پرکارترین روزهای کاری ما بود. نمی دانم چه کسی این را گفت که تو رکورددار جراحی در جهان هستی. به یاد دارم روزهایی که از پنج صبح تا ۱۰ شب در اتاق عمل بودم و دائم مردم و رزمنده های مجروح را جراحی می کردم، شاید بیشتر از ۵ هزار عمل کردم و برای نجات

انتهای خیابان ساحلی، بوی باروت اندکی حس می شود. ماشین ها از سر به روی زمین دفن شده اند و خاک ها هم رنگ خاک ها در فیلم های جبهه ای اند. ماشین ها گل اندود شده اند و شاخه های نخل سایه افکنده اند، اما خرما بر نخیل ندارد. پای پدافندها در زمین چفت و بست شده و کمی آن طرف تر ماشین آمبولانس چپ شده و لباس پرستار بر تن ماکت با دوگلی خونی شده. خمپاره ها بی نظم روی زمین پخش شده اند و کم تر از پوکه های روی زمین هستند. پرچم ها نظیر روزی که بر بلندای مسجد جامع خرمشهر بودند، روی ساختمان مجاور بی حرکت ایستاده اند. آفتاب می تابد و تابلوی «موزه دفاع مقدس خرمشهر» زیر نور پرمق خورشید گرما می گیرد. شهر در خواب ظهرگاهی زیر باد کولرهای گازی نفس تازه می کند و در این خرمایزان کسی نیست بگوید شهری که اروند دارد، مسجد جامع دارد، خانه هایی دارد که هنوز گلوله در بدن دارند، چرا موزه دارد؟

صدایی نیست جز رفت و آمد گاه به گاه موتورهایی که شهر را بدخواب می کنند و در امتداد خیابان ساحلی خلاص می کنند و به مرکز شهر می زنند. آنجا خانه ها جماعتی را که جنگ را ندیده اند، یاد فیلم های سوم خرداد می اندازد؛ مردمانی با لباس های خاکی، با جاروهای از برگ نخل به جان زمین افتاده اند، آب می پاشند و از درودیوار مسجد بالا می روند و جای دوست سفر کرده شان را خالی می کنند که دروغ که نیستی این روز را ببینی. مسجد جامع خرمشهر، نماد جنگ تحمیل شده به ایران، حالا بعد از این همه سال خوب مانده. به سرو آزاد می ماند و چون

## فرم اشتراک

هفته نامه آتیو نو

دوستدار محترم آتیو نو، شما می توانید برای اشتراک و دریافت هفته نامه، فرم زیر را تکمیل و براساس جدول مندرج هزینه اشتراک خود را پرداخت کنید.

نام و نام خانوادگی:	آدرس پستی:
کدملی:	کد پستی:
تحصیلات و شغل:	تلفن ثابت:
نوع اشتراک:	تلفن همراه:
تعداد هفته نامه درخواستی:	

مشترک گرامی، لطفاً پس از تکمیل فرم فوق، وجه اشتراک مورد نظر را به حساب جاری ۱-۱۱۰۱۱-۸۶۱-۱۰۱۵ بانک سرمایه شعبه کارگر شمالی (کد ۱۰۱۵) به نام موسسه فرهنگی و هنری آهنگ آتیو واریز و فیش واریزی را به همراه فرم تکمیل شده به شماره فکس ۰۲۱-۸۸۵۱۷۰۸۷ ارسال کنید. شروع ارسال نشریه حداکثر ۱۵ روز بعد از دریافت مدارک خواهد بود. هرگونه انتقاد و پیشنهادی را با شماره ۹-۰۸۸۵۱۷۰۸۸-۰۲۱ در میان بگذارید.

آدرس: تهران، خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم، شماره ۲۲، طبقه همکف، بخش توزیع

تهران شهرستان

سه ماهه: ۱۵ هزار تومان

سه ماهه: ۱۶ هزار تومان

شش ماه: ۳۰ هزار تومان

شش ماه: ۳۲ هزار تومان

یکساله: ۶۰ هزار تومان

یکساله: ۶۴ هزار تومان

**تخفیف ۵۰ درصدی برای بازنشستگان**

ارسال کنید. شروع ارسال نشریه حداکثر ۱۵ روز بعد از دریافت مدارک خواهد بود. هرگونه انتقاد و پیشنهادی را با شماره ۹-۰۸۸۵۱۷۰۸۸-۰۲۱ در میان بگذارید.

آدرس: تهران، خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم، شماره ۲۲، طبقه همکف، بخش توزیع

تهران شهرستان

سه ماهه: ۱۵ هزار تومان

سه ماهه: ۱۶ هزار تومان

شش ماه: ۳۰ هزار تومان

شش ماه: ۳۲ هزار تومان

یکساله: ۶۰ هزار تومان

یکساله: ۶۴ هزار تومان

